

مسئله تنظیم بازارهای بین‌المللی بورس: از تنظیم معاملات اوراق بهادار تا تنظیم

حقوقی استانداردهای حسابداری

محمود باقری^۱

مصطفی مظفری^۲

محمد صادقی^۳

چکیده

این مقاله در راستای اجرای ضابطه‌مند قواعد بورس سه فرض مهم ارائه داده و بر آن است تا گستره وجودی و راه‌های ارتقای آنها را نشان دهد؛ نخست: در سطح ملی اجرای قواعد بورس ممکن نیست مگر این که قواعد عملی حسابداری و رویه‌های آن مد نظر قرار گیرد؛ دوم: مقررات حسابداری مانند سایر قواعد برای جبران کاستی‌های موجود در ایجاد سطح درستی از اطلاعات که بر اساس قواعد و مقررات بورس منشأ نیاز است، تنظیم و مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ سوم: جهانی‌سازی صحیح مقررات بازارهای بین‌المللی بورس در صورتی محقق خواهد شد که استانداردهای حسابداری واحدی وجود داشته باشد. بنابراین، در راستای تنظیم حقوقی استانداردهای جهانی حسابداری به نظر می‌رسد که شکل‌گیری بازارهای مالی جهانی در گرو این است که قانون‌گذاران و متخصصین حسابداری با زبان و الگوی واحدی سخن بگویند. البته به سبب عدم اشراف قانون‌گذاران بر مسائل حسابرسی، آنچه در وضعیت کنونی محتمل به نظر می‌رسد آن است که یا باید از استانداردهای حوزه‌های قضایی دیگری تبعیت شود یا این که تنظیم‌کنندگان مقررات مربوط به بورس با متخصصین حسابداری و حسابرسی که دانش لازم و دسترسی کافی به اطلاعات مالی شرکت‌ها دارند، همکاری مطلوبی داشته باشند. اگرچه این کار قانون‌گذاران حوزه بورس را وابسته به پیشه حسابداری می‌کند، اما در حال حاضر این تنها راهی است که به وسیله آن می‌توان استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در مقررات ملی مربوط به بورس گنجاند.

واژگان کلیدی: بازارهای بین‌المللی بورس، استانداردهای حسابداری، افشای اطلاعات، تنظیم مقررات بورس، قوانین و مقررات ملی.

طبقه‌بندی موضوعی: M48, M4, K4, K2, G 18, G15

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

۲. استادیار دانشگاه شهید بهشتی

۳. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید

مقدمه

نظر به این که ارائه اطلاعات همواره از رئوس مهم مقررات راجع به بورس و اوراق بهادار است، در دنیای مالی که بستر تنظیم قواعد و مقررات بورس تلقی می‌شود، گزارش‌های حسابداری اطلاعات ارزشمندی را (هم برای تصمیم گیرندگان در سطح کلان و هم برای تنظیم کنندگان بودجه‌های مالی) فراهم می‌کند؛ چرا که عدم وجود اطلاعات صحیح، فعالیت عادی بازار را به مخاطره می‌اندازد. وجه این خطر نیز از آن روست که بازارهای مالی بیش از بازارهای عینی در معرض ریسک اطلاعات غلط و گمراه کننده قرار دارند (باقری، ۱۳۹۰). در نتیجه، با تغییر فضای تجارت و پیچیده تر شدن آن، استانداردهای حسابداری که هدایت کننده گزارش‌های مرتبط با اطلاعات مالی هستند نیز پیچیده می‌شوند. در یک اقتصاد جهانی (آزاد)، استانداردهای حسابداری در مرکز چنین مفهومی واقع شده‌اند و از همین روست که آن را «زبان کسب و کار» قلمداد می‌کنند (Diaconu, 2007). به همین مناسبت، در سال‌های اخیر استانداردهای بین‌المللی حسابداری اهمیت و شهرت بیشتری یافته و بدین سان برخی تصمیم گرفته‌اند تا حتی الامکان آنها را جایگزین استانداردهای ملی نمایند. با این حال، در کشورهای در حال توسعه، هنوز افشای صورت‌های مالی شرکت‌های تجاری و حسابداران مستقل، که از لوازم لاینفک رقابت سالم و الزامات مهم در این خصوص است، کمتر مورد توجه قرار گرفته و مؤسسات رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مستقل و قابل اعتمادی نیز وجود ندارند که فعالیت‌های شرکت‌ها را ریسک‌بندی کنند. این عوامل، در کنار آشنا نبودن مؤسسات مالی و اعتباری خارجی با محیط تجاری این کشورها و در عوض آشنا بودن مؤسسات داخلی با محیط تجاری و ارزیابی‌های بهتر آنان، موجب نوعی مزیت رقابتی برای مؤسسات داخلی می‌گردد که تحت عنوان عدم تقارن اطلاعات قابل بررسی است. البته اطلاعات نامتقارن خود، یکی از اشکال اطلاعات ناقص تلقی می‌شود و نهایتاً می‌تواند به اضمحلال تمام بازار و گرفتاری‌هایی برای بخش وسیعی از جامعه به دنبال از دست دادن امنیت مالی‌شان بینجامد. به هر حال، بازار به خودی خود نمی‌تواند این کاستی را جبران کند و از این رو لازم است یک سری اقدامات بر فعالیت بازار افزوده شود (باقری، ۱۳۸۵).

هدف این مقاله بررسی حقوقی و مفهوم‌شناسانه تنظیم بازارهای بورس حول محور استانداردهای بین‌المللی حسابداری است.^۱ در نیل به این مهم، متعاقب طرح بحثی از الزامات تنظیم استانداردهای

۱. بر این اساس، اشاره به مصادیق و یا بررسی این که استانداردهای ملی حسابداری در کشور ما با استانداردهای حسابداری بین‌المللی چه نسبتی دارد، و یا مسائلی از این قبیل، از هدف و حوصله این نوشتار خارج خواهد بود. برای مطالعه در خصوص مسائل مزبور، به عنوان نمونه ر.ک: رحمانی و علیپور، ۱۳۸۸؛ باباجانی و حقیقت شهرستانی، ۱۳۸۸؛ خوش طینت و رحیمیان، ۱۳۸۳؛ حجازی و همکاران، ۱۳۹۲.

حسابرسی، رویکرد مباحث نخست، بررسی مفهوم و جایگاه اطلاعات در معاملات اوراق بهادار، افشای اطلاعات بر اساس قواعد بورس و نقش استانداردهای حسابداری در تأیید الزامات این گونه افشائات در قواعد بورس می‌باشد. علاوه بر این، مبادرت به بررسی منشأ تصویب قانون Sox آمریکا خواهد شد و این نکته بررسی می‌شود که آیا استانداردها و رویه‌های حسابداری باید در راستای اجرای مقررات بورس تنظیم شوند یا خیر؟ مبحث دوم، تأکید خود را بر بین‌المللی‌سازی بازارهای بورس گذاشته و مسئله نیاز هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. همچنین در این بخش، مخاطرات و مسائلی که در راستای معرفی و شمول استانداردها مورد مواجهه قرار می‌گیرند بررسی خواهد شد تا در نهایت نقش استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در زوال و ازاله فساد نشان دهد. در نتیجه، یک ارزیابی کلی از نقش استانداردهای حسابداری بین‌المللی و توصیه‌هایی که برای غلبه بر مخاطرات مرتبط با اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرند ارائه خواهیم داد.

۱- ضرورت و الزامات تنظیم استانداردهای حسابداری

استانداردهای حسابداری یکی از سازوکارهای مفید و مؤثر در افزایش قابلیت رقابت میان شرکت‌ها، اجرای مقررات بورس، تسهیل تشکیل بورس‌های بین‌المللی و ارتقای شفافیت اطلاعاتی در بازارهای اوراق بهادار هستند. توفیق بیشتر این استانداردها در اقتصاد جهانی، به معنای بهبود وضعیت یکنواخت‌سازی حسابداری در سراسر دنیا (Lakmal, 2014) و حذف یکی از موانع مهم برای جریان سرمایه‌گذاری بین‌المللی خواهد بود (Diaconu, 2007). در راستای پاسخ به بحران‌های مالی در یک بازار جهانی، بررسی نقش و کاربرد استانداردهای حسابداری بدون معیار جهانی واجد اهمیت می‌باشد. چه اینکه بازارهای مالی در راستای تغییرات جهانی، به طور فزاینده‌ای به یکدیگر وابسته و هم‌پوشان شده‌اند؛ به نحوی که در بازارهای کنونی، هیچ سرمایه‌گذاری فقط یک سرمایه‌گذار ملی نیست. این امر مهم نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری و بازرگانی در بازارهای مالی بین‌المللی یک رویه و عمل متداول شده است. بنابراین، امروزه شرکت‌هایی که به دنبال افزایش سرمایه یا حتی استقراض سرمایه‌اند، متمایل به سرمایه‌گذاری در فراتر از مرزهای کشور متبوع خویش شده و سرمایه‌گذاران رغبت فزاینده‌ای به سرمایه‌گذاری در تجارت‌های خارجی و بین‌قاره‌ای پیدا کرده‌اند. به موازات چنین تحولاتی، در نتیجه قانون‌گذاران و تنظیم‌کنندگان قواعد بورس در سراسر جهان مشکلاتی در راستای مواجهه با نیازهای فعالان بازارهای تحت نظارت خویش خواهند داشت که خود شامل حمایت از

سرمایه گذار و ارتقای تمامیت بازار نیز می باشد. به منظور ارتقای حمایت از سرمایه گذار و تأمین اطمینان بازار، تنظیم کنندگان قواعد و مقررات بورس، باید اصل افشای کامل را ارتقا بخشند. چرا که هدف حسابداری فراهم کردن اطلاعات مالی مفید برای اتخاذ تصمیم است. بنابراین چنانچه اطلاعات حسابداری که شامل کلیه رویدادها و حقایق مربوط و با اهمیت درباره وضعیت مالی و نتایج عملکرد واحد تجاری است، به درستی و کامل در اختیار استفاده کنندگان قرار نگیرد، مشکلاتی در تصمیم گیری آنها و شفافیت و رقابت در بازار ایجاد می شود. با این حال فارغ از این که نحوه مواجهه نظام های حقوقی در این خصوص می تواند متفاوت باشد (Gregoriou and Gaber, 2006)، در جهت تحقق افشای کامل و تصدیق تحقق تغییر در فضای تجارت، دولت ها، مقامات و فعالان بازار به اهمیت استانداردهای حسابداری در تولید اطلاعات یا معتبرسازی و تصدیق اطلاعات که تحت قواعد و مقررات بازارهای بورس مورد نیاز است پی برده اند. اهمیت امر مذکور زمانی اثبات شد که وزرای اتحادیه اروپا تصمیمی اتخاذ کردند که طی آن از تمام کشورهای عضو اتحادیه خواسته شد تا گزارش هایی را منطبق با استانداردهای حسابداری بین المللی برای دوره های حسابداری که از اول ژانویه ۲۰۰۵ شروع می شد فراهم آورند. متعاقباً در عین حال که هیأت نظارت بر رعایت استانداردهای حسابداری بین المللی روی خوش به این تصمیم نشان داده و کشورهای عضو اتحادیه اروپا را پیشگام ابتکار دربرگیری استانداردهای حسابداری بین المللی دانست، اما از طرف دیگر این تغییر باعث ایجاد تنش شدید در پیشه حسابداری و اتاق های صنفی کاری مرتبط با آن شد. به هر حال، اتحادیه اروپا منافع فراوان اجرای استانداردهای حسابداری و حسابرسی بین المللی را مورد تقدیر قرار داد. با این وجود، اگر چه آمریکا در وهله نخست چندان تمایلی به رهاسازی استانداردهای خود نداشت لکن کمیسیون بورس و اوراق بهادار این کشور در مورد استانداردهای حسابداری بین المللی تغییر نظر داد و تصمیم گرفت که طی آن شرکت های عمومی باید استانداردهای مالی بین المللی را مورد استفاده قرار دهند. در این راستا، کمیسیون مذکور در عین درگیری و حمایت از یک چارچوب مالی پذیرفته شده با کیفیت عالی، اعلام داشت که منافع ناشی از به کارگیری استانداردهای حسابداری بین المللی می تواند مالی، اقتصادی یا سیاسی باشد. این کمیسیون همچنین مدارکی را نشان داد که بر اساس آن شرکت ها و سرمایه گذاران به نزدیکی و یکسان شدن استانداردهای حسابداری داخلی با استانداردهای حسابداری بین المللی به منظور یک چارچوب مالی کیفی تمایل داشته اند.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

us sec concept release: 'international accounting standards', securities and exchange commission 17 cfr parts 230 and 240 [release nos. 33-7801, 34-42430; international series no. 1215]

با توجه به مباحث مذکور، باید گفت که منافع مؤثر ناشی از اجرای استانداردهای حسابداری بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است اما باید به مشکلات متعدد موجود در راه اجرای استانداردهای حسابداری بین‌المللی توجه داشت. برای فهم و پی بردن به این مشکلات، باید به عواملی نظیر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، نظام‌های حقوقی و سیاسی، فرهنگ کار و تجارت، شرایط اقتصادی، استانداردهای تنظیم‌کننده فرآیندها، اصول حاکم بر بازارهای مالی، مالکیت‌ها و حقوق اموال و تلاش‌های جمعی ملل که غالباً به روی قواعد حسابداری تأثیرگذار است توجهی خاص شود. بنابراین همان گونه که امروزه استانداردهای بین‌المللی حسابداری واجد اهمیت فراوان بوده و در آینده هم به اهمیت آنها افزوده خواهد شد، فهم تفاوت‌های موجود در این که چگونه استانداردها در کشورهای مختلف توسعه یافتند و همچنین پشتوانه تاریخی این توسعه‌ها در استانداردهای بین‌المللی، امری بسیار مطلوب و مفید خواهد بود. به عنوان نمونه، اگر چه امروزه بازارهای بورس جهانی تر شده‌اند اما هنوز قواعد آنها به صورت ملی تنظیم می‌شوند (Fontecchio, 1994; Bollen, 2008). البته در مواردی که مقررات اوراق بهادار به دامنه حقوق خصوصی مربوط باشد، امکان هماهنگ‌سازی بیشتر خواهد بود. لکن تجربه نشان می‌دهد در مواردی که این مقررات صبغه حقوق عمومی دارند، هماهنگ‌سازی میان آنها دشوار و یا بعید به نظر می‌رسد (باقری و قنبری، ۱۳۸۹).

به هر حال، در حال حاضر شرکت‌هایی که خواهان افزایش سرمایه یا دسترسی به بازارهای بورس در حوزه‌های حقوقی و قضایی متفاوت هستند باید از الزامات متفاوت و متغیر هر یک از حوزه‌های مزبور پیروی کنند. تنظیم‌کنندگان قواعد و مقررات بورس در سطح جهان به منظور کاهش این تفاوت‌ها و ناکارایی‌های موجود، در حال تعامل با یکدیگر هستند و مبادرت به تشویق استفاده و توسعه استانداردهای حسابداری در معاملات موقت می‌نمایند. با توجه به این نکته، کمیسیون بورس و اوراق بهادار ایالات متحده^۱ به عنوان مثال، در عین تأکید به کارایی کمیته نظارت بر استانداردهای بین‌المللی حسابداری، از این امر دفاع نموده است که بازارهای بورس تنها زمانی می‌توانند به طور مؤثری کارایی داشته باشند که سرمایه‌گذاران امکان دسترسی کامل به اطلاعات مطلوب و با کیفیت بالا را داشته باشند (Dewing & Russell, 2006).

این بحث، مسأله‌ای را طرح می‌کند که منظور از کیفیت بالا چیست و آیا اطلاعات با کیفیت بالا می‌تواند در بازارهای بین‌المللی با استانداردهای متنوع افشاء به معرض ظهور برسد؟ به هر صورت، از دیدگاه یک سرمایه‌گذار، اطلاعات با کیفیت بالا، اطلاعات مالی پایدار و قابل اعتمادی است که

1. Securities and Exchange Commission (SEC)

دلالیت بر کارکرد مالی شرکت دارد. بنابراین، در یک بازار با استانداردهای متفاوت، عادلانه است که بگوییم به دست آوردن ثبات، کمی مخاطره‌انگیز است. از این رو، به عنوان یک مکانیزم قاعده‌مند شاید بتوان گفت جهان اقتصاد باید استانداردهای حسابداری بین‌المللی را به نحوی که بتواند با استانداردهای ملی هم‌پوشان شده و اجرای قواعد و مقررات بورس از طریق ایجاد استانداردهای یکسان در سراسر بازار جهانی را تسهیل کند، مد نظر قرار دهد.

۲- مفهوم اطلاعات و استانداردهای حسابداری در معاملات بورس

استانداردهای حسابداری که توسط هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری تعیین می‌شود را می‌توان به این صورت تعریف نمود که آنها، روش‌ها و رویه‌های مالی حسابداری هستند که مبادرت به تعیین و تنظیم معیارهایی می‌نمایند که بر اساس آن، اصول و اطلاعات حسابداری مورد استفاده قرار می‌گیرد (بختیاری، ۱۳۹۱؛ کرمی، ۱۳۹۴). در واقع استانداردهای حسابداری، مقررات حاکم بر چگونگی انجام کار حسابداری هستند که حسابداران بر مبنای آن، اطلاعات را انتشار می‌دهند (ثقفی و ابراهیمی، ۱۳۸۸). این مهم که به موضوع کاری حسابداران و حساب‌رسان مربوط می‌شود، در حوزه فعالیت حسابرسی به تطبیق اطلاعات حسابداری با اصول یا استانداردهای حسابداری تکامل می‌یابد (حساس یگانه، ۱۳۹۲).

از دیدگاه اقتصادی، هدف استانداردهای حسابداری رفع نیازهای فعالان بازار بورس از طریق فراهم‌آوری اطلاعاتی است که سرمایه‌گذاری و تصمیمات قاعده‌مند را تسهیل می‌کند. مسأله اصلی استانداردهای حسابداری در راستای تأیید و تصدیق شرایط افشاء و کیفیت اطلاعات حسابداری می‌باشد. به هر حال، قبل از بررسی جزء به جزء استانداردهای حسابداری، در این مسأله لازم است معنی و مفهوم اطلاعات حسابداری تعیین شود.

اطلاعات حسابداری ابزار و وسیله‌ای مفید در فرآیند حسابداری است که توسط شرکت‌ها و سایر استفاده‌کنندگان به منظور انتقال دستاوردهای ناشی از عملیات تجاری آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد (بختیاری، ۱۳۹۱). آن چه که از این مهم برمی‌آید آن است که شرکت‌های تجاری علی‌رغم فعالیت‌های عملیاتی متعددی که دارند، روش و ابزار ساده‌ای برای تنظیم این دستاوردهای عملیاتی در اختیار ندارند. این امر به این دلیل است که چنین تنظیم و تفصیلی نیازمند تبیین و تشریح فعالیت‌ها و اعمال عملیاتی می‌باشد. از این رو به دلیل تخصص و دانش حسابداران، شرکت‌ها به استخدام

حسابداری تمایل دارند که آنها را در راستای فعالیت‌های تجاری که منجر به استفاده از اطلاعات حسابداری می‌شود کمک شایانی نمایند.

۲-۱- فرآیند تولید اطلاعات مالی

با توجه به قواعد و مقررات بورس، اطلاعات حسابداری برای فراهم‌آوری امنیت بازارهای اوراق بهادار بسیار مهم هستند. اطلاعات حسابداری به این دلیل برای شرکت‌ها واجد اهمیت است که آنها به عنوان سلول‌های اقتصادی یک جامعه ایفای نقش نموده و تمام فعالان بازار فعالیت‌های خود را بر پایه اطلاعات حسابداری اتخاذ می‌کنند. به عنوان مثال، فعالان بازار هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری غالباً روی اطلاعات حسابداری حساب باز می‌کنند. علاوه بر این، هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری عملیاتی و سایر تصمیمات ناظر به مسائل کلان، مدیریت شرکت‌ها توجه خاصی به اطلاعات حسابداری دارند. بانک‌ها نیز هنگام تصمیم‌گیری برای اعطای وام بر اطلاعات حسابداری تأکید می‌کنند. علاوه بر این، قانون‌گذاران به منظور بررسی مسائل مرتبط با دعوی و جرائم مالی و هر گونه مشکلات مالی دیگر که ممکن است توسط یک بنگاه نادیده گرفته شود، بر اطلاعات حسابداری متکی هستند. بنابراین از لحاظ ماهوی این مهم به این معناست که هر چه اطلاعات حسابداری دقیق‌تر و قابل اعتمادتر باشد، فعالان بازار اطمینان و اعتماد بیشتری به بازار خواهند داشت.

در اینجا آنچه اهمیت دارد ملاحظه این مهم است که اطلاعات موصوف از کجا یافت می‌شوند. عموماً شرکت‌هایی که مبادرت به انتشار اوراق بهادار می‌نمایند باید گزارش‌ها و اظهارات مالی را با توجه به قانون، ثبت و بایگانی نمایند. این دلالت بر شرطی دارد که بر مبنای آن قبل از آن که شرکت (ناشر) مبادرت به اطلاع‌رسانی و انتشار ورقه بهادار خود نماید، باید اظهارنامه خود را که شامل خلاصه آگهی و اطلاعات تکمیلی که شرح اوضاع مالی شرکت می‌باشد ثبت نماید؛ چرا که انتشار صورت‌های مالی و افشای اطلاعات شرکت‌ها - که مستلزم طی تشریفات قانونی است - از منابع مسلم و مورد نیاز یک شرکت برای رقابت‌های داخلی و بین‌المللی است (ایوانز، ۱۳۹۲). بنابراین، هدف از ثبت و بایگانی این گزارش‌ها و افشای اطلاعات حسابداری شرکت برای سرمایه‌گذاران آینده‌نگر و سازمان‌های قاعده‌مند، قادر ساختن آنها برای اتخاذ تصمیم آگاهانه در مورد عملیات شرکت می‌باشد. با این حال، شاید یکی از انتقادات مهم در خصوص نظام افشای اطلاعات برخی کشورها، دشواری آماده‌سازی و یا گزاف بودن هزینه‌های مربوط به آن باشد (Jackson & Pan, 2008).

۲-۲- نقش استانداردهای حسابداری در تأیید و تصدیق شروط افشاء در مقررات بورس

همان گونه پیش از این ذکر گردید اطلاعات حسابداری باید دقیق باشند تا فعالان بتوانند توجه و اطمینان لازم را به بازار کسب نمایند. منظور از دقیق بودن این است که اطلاعات حسابداری افشاء شده باید منعکس کننده دستاوردهای مالی و عملیاتی شرکت و وقایع مهمی که می تواند بر تصمیمات مشتری (سرمایه گذار) نسبت به سرمایه گذاری در شرکت داشته باشد، باشد. در واقع باید اذعان داشت که ضروری است معیاری برای احراز این که آیا اطلاعات حسابداری افشاء شده؛ دقیق، واضح، قابل اعتماد و کامل بوده اند، وجود داشته باشد. بنابراین در این مورد، استانداردهای حسابداری فراهم کننده معیاری برای فهم این که آیا اطلاعات حسابداری صحیح هستند یا خیر، می باشند. از این رو با توجه به شروط افشاء، اطلاعات حسابداری باید دقیق، واضح و قابل اعتماد باشد. همان گونه که ذکر گردید، در صورت دقیق بودن اطلاعات حسابداری آن گونه که باید مطابق استانداردهای قابل قبول حسابداری تهیه شده باشد، این اطلاعات باید منعکس کننده جایگاه دقیق مالی و عملیاتی شرکت باشد. به عبارتی دیگر، شرکت ها باید این اطمینان را فراهم کنند که اظهارات مالی آنها به طور جامعی تهیه شده و افشاء کننده تمام اطلاعات حسابداری ضروری است.

با توجه به آنچه گفته شد می توان اذعان داشت که حرفه حسابداری عموماً نقش مهم و مؤثری در تفسیر علائم نامطمئن بازار دارد که هم رفتار فعالان بازار و هم رفتار تنظیم کنندگان قواعد و مقررات را تحت تأثیر قرار می دهد (Bagheri, 2003). حسابداری این کار را از طریق تنظیم و به نمایش گذاشتن جایگاه مالی شرکت ها و اجرای اهداف قانونی بازار نظیر شروط افشاء انجام می دهد. با به ظهور رساندن کارکرد مالی شرکت ها، استانداردهای حسابداری نقش بسیار مهمی را در فراهم آوری اطلاعات واضح و قابل اعتماد دارد و بر اساس این اطلاعات است که اشخاص تصمیم خود را مبنی بر سرمایه گذاری در بازارهای متعدد و متنوع بورس پایه گذاری می کنند. هر آینه، متعاقب بحران های مالی اخیر که برگرفته از قانون گذاری نامناسب یا عدم قانون گذاری بود، می توان استدلال کرد که این بحران ها تأکید خود را روی خلأ های قانونی که تنها از طریق پیشه حسابداری و حسابرسی پر می شود گذارده اند.^۱ این مهم به این دلیل است که حسابداران و حسابرسان موقعیت های استراتژیک مهمی را در شرکت های بزرگ به عهده دارند که به آنها اجازه دسترسی به اطلاعات را به طور روزانه می دهد.

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

Informational intermediaries and the emergence of the new financial regulation paradigm, (2003) 24(11), 344-345

۲-۳- دلایل تصویب قانون SOX^۱ در سال ۲۰۰۲

قواعد و مقررات بورس به عنوان یک مکانیزم، به منظور رویارویی با ورشکستگی‌ها، شکست احتمالی بازار، مسائل و مشکلات بنگاه‌ها و عدم تقارن اطلاعات در بازار به وجود آمده‌اند. با این وجود در عمل و پس از برخی رسوایی‌ها^۲ در بازارهای مالی روشن شد که دلیل چنین حوادثی، عدم موفقیت و ناتوانی بازار بوده است. بنابراین نتیجه گرفته شد که برای آن که مقررات با موفقیت وضع و اجرا شوند قانون‌گذاران نیازمند دریافت اطلاعات حسابداری از متخصصینی که می‌توانند چنین اطلاعاتی را تجزیه و تحلیل کنند، هستند (Doreen, 2006). از آنجا که حسابداران اظهارنامه‌های مالی شرکت را تهیه و تنظیم، و حسابرسان آنها را تأیید می‌کنند، تنظیم‌کنندگان قواعد و مقررات بورس بر این اساس به این نتیجه رسیدند که حسابداران و حسابرسان کلید اطلاعات حسابداری را در دست دارند. اینجا بود که نیاز تنظیم قانون در مورد آنها برای جلوگیری از ناتوانی و شکست‌های دیگر بازار احساس شد. از این رو، به منظور ایجاد اطمینان نسبت به دقت و قابلیت اعتماد اطلاعات حسابداری این فکر به ذهن خطور کرد که قانون‌گذاران می‌توانند هنگام تنظیم قواعد و مقررات روی رویه‌های حسابداری هم تأکید کرده و حساب باز کنند. در نتیجه، قانون SOX مورد تصویب قرار گرفت.^۳ یکی از اهداف مهم قانون مذکور نظارت و تنظیم قواعد حرفه حسابداری و حسابرسی است. در نیل به این هدف، تصویب و اجرای قانون مارالذکر باعث تغییرات عمده و بهبود کیفیت فرآیند تهیه و انتشار صورت‌های مالی و شیوه حسابرسی آنها گردید. (گاردفری و هادسون، ۱۳۹۴، Coates IV, 2007)

قانون Sox با هدف ارتقای وضعیت، سعی بر آن داشت تا رویه‌های مالی و شرایط گزارش جدید مثل تصدیقات و تأییدات اجرایی گزارش‌های مالی را معرفی نماید. در اجرای قانون فوق مبادرت به ایجاد نهادی به نام هیأت نظارت بر امور حسابداری^۴ شد که هدف از طراحی آن شمول تخصص

1. The Sarbanes-Oxley Act

۲. از جمله رسوایی‌های مالی Tro، Enron و World com

۳. در سال ۲۰۰۰، Tro، Enron و World com توانستند با استفاده از اطلاعات نادرست و تحریف شده بازار را از مسیر اصلی خود گمراه کنند. در عین حال که Enron با استفاده از رویه خارج از ترازنامه پذیرفت تا اطلاعات مهم مالی خود را در مورد معاملات خود افشاء کند، world com از طرف دیگر اعتراف کرد که با غلوگویی در مورد میزان درآمدهای خود، باعث شده که سرمایه‌گذاران میزان زیادی از پول خود را از دست دهند که این به نوبه خود باعث سلب اعتماد مردم و سرمایه‌گذاران به بازارهای بورس گردید. این وضعیت در نتیجه باعث شد تا سناتور Sarbanes و آقای Oxley تصویب قانون Sox را به عنوان ضابطه‌ای برای ایجاد اطمینان و اعتماد مجدد پیشنهاد نمایند. لایحه قانون مورد اشاره در سال ۲۰۰۲ توسط اشخاص فوق‌الذکر تحویل کنگره شد. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: Romano, 2005, p. 1521-1611؛ Nordberg, 2008, p. 365-383؛ Coates IV, 2007, P. 91-116)

4. The Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)

حسابداری در یک ساختار قاعده‌مند برای نظارت بر حسابرسی شرکت‌های سهامی عام و به منظور حمایت از سرمایه‌گذاران و منافع همگانی از طریق ارتقای گزارش‌های حسابرسی مستقل، دقیق و آگاهی‌بخش بود (Saksena, 2009). همچنین، این مهم به منظور ایجاد مکانیزمی منظم و قاعده‌مند که بتواند مبادرت به نظم‌بخشی نظارت، بازرسی و اصلاح تقصیرها در رویه‌های حسابداری و حسابرسی به طور همزمان کند، شکل گرفت. سناتور Sarbanes یکی از دلایل اصلی تصویب قانون SOX را مشکل ناشی از اشتباهات سهوی و نامناسب حسابداران برشمرد. از این رو با لازم دانستن تمام گزارش‌های مالی به منظور شمول یک گزارش کنترل داخلی که موجب تضمین دقت و اعتماد شرکت به اطلاعات مالی خودش شود، می‌توان گفت که این قانون تصویب شد تا گزارش‌های مالی را نظم و نسق قانونی بخشد.^۱ بنابراین، یک هدف مهم از اهداف متعدد قانون مذکور، قاعده‌مند کردن حرفه حسابداری بود و آن به این معنی می‌باشد که مؤسسات حسابداری که حسابرسی اظهارنامه‌های مالی را انجام می‌دهند باید به دقت گزارش‌های مالی و حسابداری شرکت را تأیید و تصدیق کنند. این امر، قاعدتاً کارآمدی نظام کنترل داخلی مجموعه را مورد تثبیت قرار می‌دهد (Nordberg, 2008).

نقطه مشترک بین رسوایی مالی مارالذکر، عدم وجود وضوح حساب‌های مالی بود. از آنجا که قانون مورد بحث پاسخی به این رسوایی‌ها محسوب می‌شود، عادلانه است که بگوییم جوهره این قانون اجرای وضوح حساب‌های مالی بود که سهام‌داران و سرمایه‌گذاران را مطمئن می‌ساخت تا به نحو مطمئن اظهارنامه‌ها و حساب‌های مالی شرکت را بررسی کرده و یک جایگاه دقیق مالی برای شرکت ایجاد کنند. با این حال این امر زمانی می‌تواند صحیح تلقی شود که علم و مهارت قانون‌گذار در استانداردهای مالی و حسابداری برتر از علم و مهارت حسابداران و حساب‌رسان باشد (Romano, 2005). در فقدان و یا دشواری چنین امکانی، از طریق گنجاندن تخصص حسابداری در زنجیره قانونی می‌توان استدلال کرد که تصویب قانون Sox به پیشه حسابداری قدرت بیشتری در مورد گزارش‌های حسابداری داده و در نتیجه قانون‌گذاران خود را تابع تخصص و حرفه حسابداری قرار دادند. بنابراین، با گنجاندن حسابداران و حساب‌رسان در زنجیره تقنینی، می‌توان گفت قانون‌گذاران باید اطمینان حاصل نمایند که دانش و مهارتی بیشتر یا برابر با متخصصین حسابدار و حساب‌رس دارند.

۱. رک:

Study of the Sarbanes-Oxley Act of 2002 Section 404 Internal Control over Financial Reporting Requirements, 2009, UNITED STATES SECURITIES AND EXCHANGE COMMISSION.

در مانحن فیه یک سؤال مطرح می‌شود و آن اینکه کدام یک از این دو دسته برتر از دیگری هستند؛ قانون‌گذاران بدون تخصص یا حسابداران و حسابرسانی که دانش و تخصص تحلیل و تفسیر اطلاعات مالی و حسابداری را دارند؟

از لحاظ ماهوی روشن است که کسی که حقیقت را نداند ممکن است به کج‌راه برود. از این رو، برای این که قانون‌گذاران و یا مقامات بازار بر این مسئله فائق آیند می‌توانند یک سازمان حسابداری و حسابرسی را تأسیس کنند که تخصص و دانش تفسیر اطلاعات حسابداری را داشته باشد. به هر حال آیا با توجه به منطق قانون Sox باید گفت که این قانون فراتر از مرزهای قانونی ایالات متحده رفته است؟

پاسخ به صراحت مثبت است. حکم قانون Sox در این خصوص این است که مفاد آن به تمام ناشران اوراق بهادار در بازارهای سرمایه ایالات متحده اعمال خواهد شد؛ اعم از این که در آمریکا اقامت داشته باشند یا خیر. در نتیجه، ادارات حسابرسی که در خارج از ایالات متحده هستند باید هماهنگی لازم را انجام دهند؛ مشروط بر این که با اوراق بهاداری که در آمریکا پذیرش شده است سر و کار داشته باشند (Nordberg, 2008).

پرسش دیگر آن است که آیا لازم است که استانداردها و رویه حسابداری را قانون‌گذاری و قاعده‌مند کنیم تا قواعد و مقررات بورس اجرا گردد؟

متعاقب رسوایی‌های مورد اشاره که برگرفته از نارسایی‌های مربوط به مقوله حسابداری بود و همچنین به دلیل اتکای قانون‌گذاران بورس بر افشای حسابداری، رویه‌های حسابداری واجد تمام اطلاعاتی هستند که طی آن قانون‌گذاران می‌توانند وضوح بازار را به وسیله آنها تضمین کنند. به منظور اجرای مقررات مناسب و گیرا و همچنین تضمین گزارش‌های باثبات حسابداری، اجرای مقررات بورس ممکن است آسان‌تر و ساده‌تر باشد؛ مشروط بر آن که رویه‌های حسابداری تنظیم و قاعده‌مند شده باشند. این به دلیل آن است که تنها حسابداران هستند که قادر به تهیه و فهم اظهارنامه‌های مالی و حسابداری می‌باشند. از این رو، به سبب دانش و موقعیت استراتژیک آنها در شرکت‌های بزرگی که به آنها اجازه دسترسی به اطلاعات مجاز را می‌دهد، منصفانه است که بگوییم که حسابداران کلید موفقیت را در اجرای شرایط افشای اوراق بهادار در دست دارند. بنابراین به منظور تضمین دقت و قابلیت اعتماد اطلاعات حسابداری، عاقلانه است تا نظر را بیشتر بر تخصص و پیشه حسابداری متمرکز کنیم تا خود شرکت‌ها.

با توجه به آنچه گفته شد چگونگی کارکرد و کارایی تحقق موارد مذکور روشن نیست. زیرا امروزه در تنظیم و تدوین معیارهای قانونی، قانون‌گذاران احساس شدیدی به تکیه بر تخصص و دانش می‌کنند (Bagheri, 2003). این مهم به وسیله بحران اخیرالذکر اثبات گردید که گویای عدم موفقیت قانون‌گذار و در نتیجه، در اختیار حسابداران قرار دادن اجرای استانداردهای قانونی بود. بنابراین همان‌گونه که ذکر گردید، اگر قانون‌گذاران قادر نباشند تا تخصص لازم را برتر یا معادل یا حتی مثل متخصصین حسابداری یا حسابرسی به منظور تحلیل اطلاعات دشوار به دست آورند، قاعده‌مند کردن رویه حسابداری ممکن است مخاطره‌انگیز باشد.

۳- جهانی‌سازی بازارهای بورس و نیاز به هماهنگ‌سازی استانداردهای ملی حسابداری

نویسندگان متعدد به روش‌های متفاوتی هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری را مورد تعریف و بررسی قرار داده‌اند.^۱ پرسش این است که آیا می‌توان گفت تعریف مفهوم هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری کاری بسیار دشوار و پیچیده است؟ در راستای هدف مقاله حاضر باید گفت هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری مربوط به فرآیند افزایشی سازگاری و تطابق این استانداردها از طریق تعهدات و با توجه به میزان تغییرات و بی‌ثباتی‌هاست. بنابراین هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری ممکن است به این شکل تعریف شود که آن، در یک خط قرار گرفتن استانداردهای حسابداری ملی با استانداردهای بین‌المللی است. روشن است که چنین وضعیتی به کاستن از تفاوت در استانداردهای ملی کشورها (خوش طینت و رحیمیان، ۱۳۸۳) و در نهایت، جایگزینی استانداردهای جهانی منتهی خواهد شد (Gregoriou & Gaber, 2006).

۳-۱- نسبت مقررات ملی بورس و استانداردهای حسابداری در اقتصاد جهانی

به طور گسترده، یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری به یک مسأله مهم حول مباحث افشای مالی تبدیل شده است. آیا این به آن معناست که مقررات ملی بورس بدون یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری قابلیت اجرا ندارند؟ به نظر می‌رسد تا آنجا که نیازها و منافع تمام کسانی که مبادرت به اتخاذ تصمیم بر اساس اظهارنامه‌های مالی می‌کنند به طور کامل برطرف نشده باشد، درخواست هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری توسط فعالان و مقامات بازار مثل قانون‌گذاران و احتمالاً

۱. به عنوان نمونه ر.ک: خوش طینت و رحیمیان، ۱۳۸۳؛ باغومیان و جوادی، ۱۳۹۴؛ ایوانز، ۱۳۹۲: ۲۴۴-۲۴۶.

دستگاه‌های حسابداری مورد دفاع خواهد بود. در واقع، به دلیل جهانی شدن تجارت و رشد سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاددانان، فعالان عرصه علم، قانون‌گذاران و دولت‌ها مدت مدیدی است که نیاز هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری را به رسمیت شناخته‌اند.

اقتصاددانان معتقدند که یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری تأمین‌کننده وحدت شکل در گزارش‌های مالی، قابلیت اطمینان و مقایسه‌پذیری میان اطلاعات مالی چاپ شده شرکت‌ها و کیفیت بالای گزارش‌های مالی و افشانات است.^۱ در واقع، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری زمینه‌ای را مطرح می‌کند که هیچ کشوری توسط استانداردهای محلی خودش سود یا ضرر نخواهد کرد. این امر امکان مقایسه عملکرد شرکت‌ها و رقبای خارجی و بین‌المللی را آسان‌تر می‌سازد.

با توجه به موارد مذکور، استانداردهای حسابداری نباید با مقررات استانداردهای حسابداری یکی دانسته شود. چرا که هنگام توصیف استانداردهای حسابداری اشخاص، آنها را برخلاف مکانیزم حقوق عمومی که برای توصیف مقررات استانداردهای حسابداری استفاده می‌شود، به عنوان یک کد قانونی خصوصی که هدایت‌کننده راه احتساب حساب‌ها مد نظر قرار می‌دهند، می‌باشد. از این روست که ماهیت عمومی یا خصوصی مقررات اوراق بهادار نتایجی مهم برای راه حل‌های پیشینی و پسینی دارد (باقری و قنبری، ۱۳۸۹). در این راستا در عین حال که هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری محتمل‌تر است، تحصیل هماهنگی مقررات استانداردهای حسابداری کمی دشوار و مخاطره‌انگیز است. در نتیجه همان‌گونه که ابهام در تشخیص جهت‌گیری بازارهای اوراق بهادار و نسبت همگرایی و واگرایی بورس‌ها اثبات شده است (باقری و سیدی، ۱۳۸۷)، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری هم احتمالاً دشوار تلقی شده است. بنابراین همان‌گونه که امروزه بازارهای بورس جهانی شده و تا حدودی خارج از کنترل می‌باشند،^۲ ممکن است استدلال شود که اگر قراردادی در مورد استانداردهای حسابداری بین‌المللی به توافق نرسد، اجرای مقررات ملی در این صورت بسیار دشوار و اختلاف‌برانگیز خواهد بود. متعاقب رسوایی‌های مالی و ورشکستگی برخی شرکت‌ها، بسی واضح و مبرهن است که حسابداران و حساب‌رسان که دارای موقعیت‌های مهم و کلیدی در شرکت‌ها هستند، واجد دانش و تخصص تحلیل اطلاعات حسابداری نیز می‌باشند. این‌ها به آن معناست که اگر قانون‌گذاران بورس خود را متکی به تخصص و حرفه حسابداری به عنوان یک ورودی صحیح برای

۱. ر.ک:

Samir S Mogul, 'Harmonization of Accounting Standards.', The Chartered Accountant 51 (2003), 681-684, available at: http://icai.org/resource_file/11430p681-684.pdf

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: باقری و قنبری، ۱۳۸۹: ۲۹-۳۱.

دریافت و تحلیل اطلاعات بدانند، در بازارهای جهانی، محتاج استانداردهای واحد رویه‌های حسابداری برای تأمین و تضمین اعتمادپذیری می‌باشند.

به طور معمول، همان‌گونه که شرکت‌ها در حال جهانی شدن هستند، فهم استانداردهای هماهنگ شده و بین‌المللی نسبت به استانداردهای متغیر خارجی برای سرمایه‌گذاران بسیار ساده‌تر خواهد بود. به منظور کمک به سرمایه‌گذاران برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه و انتفاع از منافع فزاینده بازار، می‌توان گفت هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری کلید فراهم‌آوری اطلاعات باثبات و واحد برای سرمایه‌گذاران است. با این وجود می‌توان استدلال نمود برای این کار مقررات استانداردهای حسابداری - و در واقع مقررات بورس - باید جهانی شوند. بنابراین جز این که استانداردهای حسابداری و مقررات حسابداری به مفهوم خاص هماهنگ شده و یکسان شوند، جهانی‌سازی استانداردهای حسابداری ممکن نیست تحقق یابد و یا حتی دستیابی به آن بسیار دشوار است.

بازار، مصرف‌کننده بسیار مهم اطلاعات مالی است؛ به نحوی که هر کس برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه به اطلاعات حسابداری تکیه می‌کند. وجه این مهم آن است که بنیان اساسی و مهمی که بازار بر پایه آن عمل می‌کند، این فرض است که شرکت کنندگان در صحنه بازار بر مبنای اطلاعات کافی دست به انتخاب می‌زنند (باقری، ۱۳۸۵). همین‌گونه نیز می‌توان استدلال کرد که در صورتی که هیچ افشای مطلوب و مناسبی وجود نداشته باشد، ارزیابی مؤثری از جایگاه مالی شرکت پیش‌روی فعالان بازار به دست نخواهد آمد. با این وجود هنگامی که فرهنگ‌ها، رسوم، زبان و معانی از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند، می‌توان گفت چگونه اطلاعات مالی می‌توانند واضح و قابل مقایسه باشند. عادلانه است که بگوییم در صورتی که ترجمه به سایر مشکلات افزوده شود ممکن است وضوح ثبات و عدالت را در اطلاعات حسابداری بپوشاند؛ خصوصاً زمانی که برای استفاده یک نوع از گزارش‌های خاص استاندارد تهیه و فراهم نشده باشند. بنابراین با هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی و ارتقای زبان حسابداری که هدفش تسهیل فهم اطلاعات حسابداری است، می‌توان این معنی را دریافت که هنگام ارزیابی کارکرد شرکت‌ها، قانون‌گذاران، حساب‌برسان، و بازار به طور کلی شانس دریافت اطلاعات مشابه را دارند و این آنها را قادر می‌سازد تا علایق را با هم مقایسه کنند. بنابراین هنگامی که قانون‌گذاران توانایی دریافت اطلاعات مشابه را داشته باشند ممکن است استدلال شود که شرکت‌ها در این راستا قادر خواهند بود با هم رقابت کنند.

با توجه به تسهیل اجرای مقررات ملی، شاید گفته شود اگر استانداردهای حسابداری هماهنگ باشند تمایلات یک کشور برای یک بازار سرمایه تکامل یافته جهانی از طریق گزارش مالی یکنواخت

تحقق می‌یابد. در این مورد، ممکن است سرگردان شویم که آیا هماهنگ‌سازی مطلق در جهان واقع تحقق‌پذیر است؟

تجویز استفاده از استانداردهای حسابداری مالی می‌تواند راهی به جلو برای هماهنگ‌سازی رویه‌های حسابداری کشورهایی که دارای گزارش‌های مالی کم‌کیفیت هستند، با بهترین رویه‌های بین‌المللی باشد.^۱ بنابراین به دلیل تفاوت در سیاست کلی دولت‌ها و ماهیت متغیر خدمات تجارتي و ملاحظات اقتصادی و مالی که در هر کشوری رایج است، باید قبول کرد که فرآیند یکسان‌سازی و همانندسازی استانداردهای حسابداری امری ساده نیست (Diaconu, 2007). بلکه در واقع یک فعالیت پویا و پیچیده‌ای است که نمی‌تواند نادیده گرفته شود. به هر حال در یک بازار جهانی فزاینده، هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری به آن سختی که به نظر می‌رسد راهی به جلو می‌باشد؛ مشروط بر این که قانون و اصول کلی در این زمینه بر اجرای مقررات ملی مقدم شود.

۳-۲- تأثیر استانداردهای بین‌المللی حسابداری بر اجرای مقررات ملی بورس

در عین حال که می‌توان اذعان داشت استانداردهای بین‌المللی حسابداری خالی از اشکال نیستند؛ اما به صراحت باید گفت که اگر این استانداردها به طور خاص اجرا گردند، به بهبود وضع کمک شایانی کرده و موانع را در معاملات بین‌المللی بورس مرتفع می‌نماید. به عنوان نمونه، از دیدگاه حسابداری جهانی، افشای مناسب و کارآی اطلاعات به طور دقیق، مطمئن و به موقع، ارزیابی هر چه بهتر کارکرد مالی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین جهت است که قانون‌گذاران در حوزه بورس در سراسر جهان، از استانداردهای حسابداری به عنوان یک مکانیزم قاعده‌مند و مفید استفاده می‌کنند که این خود فراهم کننده چارچوبی برای گزارش‌های مالی واضح، قابل اعتماد و باثبات است.

با وجود این، پرسشی پیش می‌آید که چگونه اطلاعات مالی می‌تواند واضح باشد حال آن که فرهنگ، عرف، برخی اصول و قواعد حقوقی، زبان و معانی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است؟ به علت وجود قوانین متغیر و فرهنگ‌ها و عرف‌های متفاوت، استانداردهای حسابداری متفاوت در گوشه و کنار جهان توسعه یافته‌اند. به عنوان نمونه در حالی که در ایالات متحده استانداردهای حسابداری به منظور رفع نیاز فعالان و مقامات بازارهای سرمایه طراحی شده‌اند و تضمین کننده این مهم است که اطلاعات ارائه شده در بازار دارای چنان کیفیتی است که سرمایه‌گذاران می‌توانند

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

تصمیمات آگاهانه بگیرند، در سایر کشورها، استانداردهای حسابداری برای رفع نیازهای طلبکاران شخصی و مالیات‌های مقامات توسعه و گسترش یافته‌اند.^۱ در نتیجه ممکن است قانع شد که در بازارهای جهانی با استانداردهای متغیر، توسعه دادن و به حیطه عمل آوردن استانداردهای حسابداری خنثی به منظور اجرای مقررات ملی بهترین مکانیزم برای تضمین این مهم است که اطلاعات مالی با بهترین کیفیت خود را برای دسترسی سرمایه‌گذاران فراهم کرده است (Cairns, 2001). بنابراین می‌توان گفت تأسیس یک دسته استانداردهای حسابداری بین‌المللی خنثی که برای تحویل و ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت عالی است، مانع مخاطرات و مسائلی است که ممکن است ناشران اوراق بهاداری که برای فراهم آوردن اظهارنامه‌های مالی از بیش از یک دسته اطلاعات مالی استفاده می‌کنند بشود. در عوض، این مهم موجبات ارتقای رده‌بندی بین‌المللی و متعاقباً افزایش تخصیص سرمایه و کارکرد بازار می‌شود. علاوه بر این، در عین حال که پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری نه تنها موجب ارتقای هر چه بیشتر می‌شود و نگرانی سرمایه‌گذاران را می‌کاهد، باعث کاهش هزینه‌های ناشی از فراهم آوردن اظهارنامه‌های مالی ناشران اوراق بهادار که در راستای افزایش سود خود از طریق بازارهای مختلف هستند می‌شود. با این حال لازم به ذکر است که اصلاح وضع در صورتی می‌تواند به دست آید که استانداردهای حسابداری بین‌المللی حمایتی کامل از تخصص و پیشه حسابداری و حسابرسی دریافت دارند. این در حالی است که ممکن است برخی، فعالیت حسابداران و حسابرسان راغب به پیروی از استانداردهای بین‌المللی را به عنوان قواعدی که آنها اظهارنامه‌های مالی خود را بر اساس آن تهیه و حسابرسی می‌کنند، نپذیرند و از این حیث، قانون‌گذاران در حوزه بورس در ارتقای وضع و اطمینان به اظهارنامه‌های مالی با مشکل روبه رو شوند.

۳-۳- مخاطرات عملی در معرفی و یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری بین‌المللی

به لحاظ عملی، منافی که به دست می‌آیند بستگی به ساختار یک کشور دارد. دلیل آن این است که هر کشوری منافع متفاوتی دارد (Bollen, 2008). در عین حال که منافع ملی کشورها با یکدیگر متفاوت است، استانداردهای حسابداری بین‌المللی در حال به رسمیت شناخته شدن در عرصه جهانی هستند. براساس دستورالعمل اتحادیه اروپا تمامی کشورهای عضو اتحادیه باید استانداردهای بین‌المللی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک:

US SEC Concept Release: 'International Accounting Standards', SECURITIES AND EXCHANGE COMMISSION 17 CFR PARTS 230 and 240 [RELEASE NOS. 33-7801, 34-42430; INTERNATIONAL SERIES NO. 1215]

حسابداری را پذیرفته و آن استانداردها را در عملیات تجاری خود بگنجانند. بنابراین سایر قانون‌گذاران باید همانند اتحادیه اروپا استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در ساختار قانونی خود جای داده و اگر قوانین آن کشورها بر اساس اصل برتری ملی فرق کند در این صورت کامیابی بازارهای بورس بین‌المللی مبهم و کم‌فروغ خواهد بود. افزون بر این، امروزه بسیاری از کشورها در حال برنامه‌ریزی برای تصویب استانداردهای بین‌المللی حسابداری هستند یا این که قبلاً آن استانداردها را پذیرفته‌اند. با این حال، با توجه به این که اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری همواره نمی‌تواند آسان تلقی شود (McGee, 1999)، سؤالی که مطرح می‌شود این است که کدام زبان به عنوان زبان بین‌المللی برای هدف استانداردهای بین‌المللی حسابداری انتخاب می‌شود؟

از آنجا که کشورهای مختلف، زبان‌های گوناگون دارند اجرای استانداردهای بین‌المللی حسابداری کمی محلّ خدشه و ابهام است. چرا که تمام استانداردهای بین‌المللی حسابداری به زبان‌های مختلف ترجمه نشده‌اند. بنابراین از آنجا که بسیاری از قانون‌گذاران و حسابداران ممکن است به طور کافی با زبانی که استانداردهای بین‌المللی حسابداری با آن نوشته می‌شوند آشنا نباشند، احتمالاً در این صورت قادر به اجرای آن استانداردها هنگام اجرای مقررات حسابداری ملی نباشند.

علاوه بر این رفع تعارض استانداردهای حسابداری ملی با استانداردهای حسابداری بین‌المللی تا حدی دشوار و ابهام‌آمیز است. به عنوان مثال، به‌رغم این که استانداردهای حسابداری بین‌المللی بهره‌برداری از ارزش عادلانه در اندازه‌گیری و گزارش تمام ابزارهای مالی را ارتقا می‌دهد، دستورالعمل اتحادیه اروپا در طرف دیگر اجازه ارزیابی عادلانه مسئولیت‌ها را به طور کامل نمی‌دهد. همچنین، به علت وجود بازار ضعیف کنونی، اجرا و اعمال رویکرد ارزش عادلانه در استانداردهای بین‌المللی در برخی کشورهای در حال توسعه که دارای استانداردهای حسابداری ناچیز یا اصلاً فاقد استانداردهای حسابداری هستند مفید و قابل دفاع می‌باشد. چرا که تمام ابزارهای مالی ممکن است به طور ساده ارزشی قابل اندازه‌گیری نداشته باشند. با این حال، دیدگاه اعمال استاندارد واحد برای تمام گزارش‌های مالی ممکن است جاه‌طلبانه و کمی ساده‌لوحانه باشد. زیرا استانداردهای حسابداری مثل حسابداری با ارزش عادلانه ممکن است تأثیرهای صرف سیاسی و اقتصادی گزارش‌های مالی را نادیده بگیرد. از این گذشته، اعتقاد عمومی بین اقتصاددانان این است که برای معرفی هر گونه اصطلاحات و بازنگری، تغییرات باید باعث بهبودی وضع کنونی شود و فرصت اجرایی مناسبی داشته باشد. بنابراین اگر استانداردهای حسابداری بین‌المللی برای بهبود وضعیت کنونی مورد استفاده قرار نگیرند انضمام، گنجاندن و بکار بردن آنها در قوانین ملی مخاطره‌آمیز و یا مبهم خواهد بود. زیرا علاوه بر عدم کارایی

درونی قوانین ملی وجود هر گونه عدم همکاری بین‌المللی ممکن و قابل تصور است. همان گونه که شرکت‌ها با هم تجارت دارند و سعی بر افزایش سرمایه خود از طریق حوزه‌های قضایی متعدد می‌کنند، عدم وجود همکاری بین‌المللی نیز ممکن است مانعی بر سر راه معاملات و سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی باشد. چرا که اقتصادهای کشورها از نظر سطح توسعه و عوامل فرهنگی با یکدیگر تفاوت دارند. لذا نظام‌های اوراق بهادار و قانون‌گذاری در مورد آنها نیز به طور لزوم با یکدیگر متفاوت خواهد بود. در واقع به دلیل وجود همین تفاوت‌هاست که رسیدن به اجماعی در خصوص سطح بهینه قانون‌گذاری در اقتصاد بین‌المللی دشوار است (باقری و قنبری، ۱۳۸۹). با این حال این واقعیت نباید نادیده انگاشته شود که به همان میزان که اتخاذ سیستم‌های متفاوت اثرات متفاوتی دارد، توانایی تطبیق نظام‌های موجود می‌تواند به بهبود وضعیت کمک کند. چرا که کشورها در عرصه بین‌المللی در حال رقابت با یکدیگر هستند و رقابت فیمابین، آنها را به اتخاذ ساختارهای کارآمد در آینده ترغیب خواهد کرد (Lakmal, 2014).

نتیجه‌گیری

در یک بازار جهانی که دارای استانداردهای متغیر و ابعاد اقتصادی متفاوت است، سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که خواهان افزایش سرمایه برای بازارهای محلی خود به منظور یگانه کردن استانداردهای بین‌المللی در استانداردهای ملی هستند منفعت بالایی خواهد داشت. با این حال، دسترسی به بازارهای سرمایه چندگانه یعنی جایی که حوزه‌های قضایی و کشورهای متفاوت الزامات و شروط گزارش خاص خود را دارند می‌تواند بسیار گران و هزینه‌بر باشد. در نتیجه آنهایی که خواهان افزایش بودجه از بازارهای اصلی سرمایه هستند ممکن است از انجام تجارت در سایه بازارها ناامید شوند. چرا که باید از استانداردهای حوزه قضایی دیگری تبعیت کنند که آشنایی چندانی با آن ندارند. به علاوه، به منظور تحصیل بازارهای سرمایه جهانی قابل اعتماد و کارا، سرمایه‌گذاران باید نسبت به اطلاعات مالی احساس امنیت داشته باشند. به هر حال در یک اقتصاد جهانی با استانداردهای متفاوت، می‌توان استدلال نمود که سرمایه‌گذاران خارجی ممکن است استانداردهای بین‌المللی حسابداری را با ثبات‌تر و مطمئن‌تر بدانند که این موجبات فراهم‌آوری مقایسه‌ای مفید بین کارکردهای مالی شرکت‌ها نسبت به استانداردهای مالی شرکت‌ها می‌باشد. بنابراین به منظور به دست آوردن گزارش‌های مالی مؤثر و قابل اعتماد، دولت‌ها باید به شرکت‌ها و ناشران این اختیار را بدهند تا اظهارنامه‌های مالی خود را بر اساس استانداردهای ملی یا استانداردهای بین‌المللی یا هر دو تهیه و تنظیم کنند. بنابراین استانداردهای

حسابداری بین‌المللی مقررات مفید و منطقی هستند که می‌توانند ثبات را در گزارش‌های مالی بین‌المللی افزایش و ارتقاء دهند. به هر حال باید اظهار داشت اگر تنظیم کنندگان مقررات مربوط به بورس با متخصصین حسابداری و حسابرسی که دانش لازم و دسترسی به اطلاعات مالی شرکت‌ها دارند، همکاری مناسبی نداشته باشند استانداردهای بین‌المللی حسابداری ممکن است فاقد کارایی مطلوبی باشد. از این رو اگر چه این کار قانون‌گذاران در حوزه بورس را وابسته به تخصص و حرفه حسابداری می‌کند اما به نظر می‌رسد در حال حاضر تنها راهی است که به وسیله آن می‌توان استانداردهای بین‌المللی حسابداری را در مقررات ملی مربوط به بورس گنجانده. از این رو باید اظهار داشت که قبول استانداردهای بین‌المللی حسابداری توسط تمام حسابداران چندان ممکن نیست. این به آن دلیل است که مادام که هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری از واکنش اتحادیه اروپا [به عنوان اولین نهاد بین‌المللی که ابتکار تصویب استانداردهای بین‌المللی حسابداری را ارائه نمود] رضایت داشت، لکن چنین تغییر و واکنشی از طرف دیگر با خشم و غضب حسابداری روبرو بود. این مهم بر آن دلالت دارد که بورس‌ها و بازارهای مالی جهانی در صورتی به طور واضح پدید می‌آیند که قانون‌گذاران در حوزه بورس و متخصصین حسابداری و حسابرسی در سراسر جهان با زبان واحد از گزارش‌های مالی سخن گویند. بنابراین به منظور تضمین گزارش‌های مالی باکیفیت که منجر به وضوح عالی‌تر و کارکرد مؤثر می‌شوند، استانداردهای حسابداری بین‌المللی نیازمند حمایت تخصص حسابداری است که مسئول تهیه و حسابرسی اظهارنامه‌های مالی هستند.

منابع و مآخذ

۱. ایوانز. جی. توماس (۱۳۹۲). تئوری حسابداری مالی، ترجمه علی پارسائیان، تهران: انتشارات ترمه.
۲. باباجانی، جعفر و مهدی حقیقت شهرستانی (۱۳۸۸). «شناسایی و معرفی ساختار نهادی مناسب برای تدوین مقررات حسابداری نهادهای بخش عمومی ایران»، فصلنامه مطالعات حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۱-۴۰.
۳. باغومیان، افیک و نوید جواد (۱۳۹۴). «هماهنگ‌سازی استانداردها در کشورها و دلایل به کار نگرفتن بخش‌هایی از استانداردها»، فصلنامه حسابرس، شماره ۸۰، صص ۷۰-۸۰.
۴. باقری، محمود (۱۳۸۵). «اقتصاد مبتنی بر بازار و کاستی‌های حقوق خصوصی»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۹، صص ۴۱-۸۸.
۵. باقری، محمود (۱۳۹۰). نقش حقوق شرکت‌ها و بازار بورس در موفقیت خصوصی‌سازی، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. باقری، محمود و جواد سیدی (۱۳۸۷). «همگرایی و رقابت در بازارهای بورس: تعارض حقوق رقابت و حقوق بازار بورس»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۸، شماره ۳، صص ۵۷-۸۳.
۷. باقری، محمود و حمید قنبری (۱۳۸۹). «مشکلات حقوقی ناشی از بین‌المللی شدن بازارهای سرمایه و جایگاه قوانین ملی»، فصلنامه پژوهش حقوق، دوره ۱۲، شماره ۲۹، صص ۲۵-۶۴.
۸. بختیاری، پرویز (۱۳۹۱). اصول و مبانی حسابداری، چاپ یازدهم، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۹. ثقفی، علی و ابراهیم ابراهیمی (۱۳۸۸). «رابطه تدوین استانداردهای حسابداری با کیفیت اطلاعات حسابداری»، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۳۳-۵۰.
۱۰. حجازی، رضوان؛ غلامرضا سلیمانی و مریم امیدی نویی‌جار (۱۳۹۲). «اثرات پذیرش استانداردهای حسابداری بین‌المللی در بعد اقتصادی بر محیط ایران»، مجله پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۷-۱۱۱.
۱۱. حساس یگانه، یحیی (۱۳۹۲). فلسفه حسابرسی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. خوش طینت، محسن و نظام‌الدین رحیمیان (۱۳۸۳). «هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری»، فصلنامه مطالعات حسابداری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۸۳-۱۱۲.
۱۳. رحمانی علی و شراره علیپور (۱۳۸۸). «موانع پذیرش استانداردهای بین‌المللی حسابداری در ایران»، فصلنامه مطالعات حسابداری، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۷۵-۹۹.
۱۴. کرمی، غلامرضا (۱۳۹۴). اصول حسابداری (۱)، تهران: انتشارات طراحان ایماژ.

۱۵. گادفری، جین و آلن هادسون (۱۳۹۴). تئوری حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، چاپ دوم، تهران: انتشارات ترمه.

16. Bagheri, Mahmood (2003). Informational intermediaries and the emergence of the new financial regulation paradigm, *Company Lawyer*, 24(11).
17. Bollen, Rhys (2008). The international financial system and future global regulation, *Journal of International Banking and Regulation*, 23(9), 458-473.
18. Cairns, David (2001). *International Accounting Standards survey 2000*, Oxford.
19. Coates IV C John (2007). The Goals and Promise of the Sarbanes-Oxley Act, *Journal of Economic Perspectives—Volume 21, Number 1*, P. 91–116
20. Dewing, Ian P. and Peter O. Russell, (2006). Regulation of statutory audit in the European Union: New developments, *Journal of Financial Regulation and Compliance*, Emerald Publishing 10(1).
21. Diaconu, Paul (2007). Harmonization of the International Accounting System, Available at: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.957029>
22. Doreen, McBarnet (2006). After Enron will "whiter than white collar crime" still wash?, *British Journal of Criminology*, 46(6), 1091 – 1109.
23. Fontecchio, John (1994). The General Agreement on Trade in Services: Is it the answer to creating a harmonised global securities system?, *North Carolina Journal of International Law and Commercial Regulation* 115.
24. Gregoriou, N Greg and Gaber, Mohamed (2006). *International Accounting Standards, Regulations, and Financial Reporting*, Oxford: Elsevier Ltd.
25. Jackson, Howell E. and Pan, Eric J. (2008). Regulatory Competition in International Securities Markets: Evidence from Europe, *Virginia Law & Business Review*, Vol. 3, No. 2, p. 207-273.
26. Lakmal, Darshana (2014). Impact of International Accounting Harmonization, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2387327>
27. McGee, Robert W, (1999). The Problem of Implementing International Accounting Standards: A Case Study of Armenia, *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*, 2(1), 38-41.
28. Nikhil Chandra Shil, Bhagaban Das & Alok Kumar Pramanik (2009). Harmonization of Accounting Standards through Internationalization, *International Business Research*, 2(2), p. 194-201.
29. Nordberg, Donald (2008). Waste makes haste: Sarbanes-Oxley, competitiveness and the subprime crisis, *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 16(4), 365-383.
30. Romano, Roberta (2005).). The Sarbanes-Oxley Act and the making of quack corporate Governance, *The Yale Law Journal*, Vol. 114, p.1521-1611.
31. Saksena, P. N (2009). The Sarbanes-Oxley Act and occupational fraud: does the law tackle the real problem?, *International Company and Commercial Law Review* 20(2).

32. United states securities and exchange commission (2009). Study of the Sarbanes-Oxley Act of 2002 Section 404 Internal Control over Financial Reporting Requirements, available at: https://www.sec.gov/news/studies/2009/sox-404_study.pdf
33. US SEC Concept Release (2008). International Accounting Standards, securities and exchange commission 17 cfr parts 230 and 240 [release nos. 33-7801, 34-42430; international series no. 1215]